

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام خدمت استاد گرامی: ۱. ببخشید استاد به عقیده ای رسیدم که خواستم نظر شریف شما را بدانم؟ اگر اشتباه است صحیح آن را بفرمایید. خداوند به انسان عقلی داده که بوسیله آن حقایق را می فهمد و قلبی که آن حقایق را تصور می کند و اعضایی که آن حقایق را در عالم ماده به ظهور می رساند، پس انسان در برزخ خود با واردات قلبی که همان اخلاقیات انسان می باشد درگیر است و در قیامت خود با واردات عقلی که شامل اعتقادات اوست درگیر می شود. ۲. جایی از سخن شما را دیدم که فرموده بودید امام خمینی (ره) نتیجه سلوک علامه قاضی است. من بارها برآیم سوال بود که شیوه امام صحیح است که برای لحظه های خود برنامه ریزی می کردند و کارهای شخصی را انجام می دادند یا سیره علامه طباطبایی که در احوالات ایشان آمده اکثر اوقات را مطالعه می کردند و بیشتر امور شخصی ایشان را همسر یا فرزندان انجام می دادند و ایشان اصلا در قید زمان نبودند؟ حالا گفته شما موید این سخن است که سیره امام جامعیت دارد برای الگو گیری؟ خودم به این نتیجه رسیدم که مومن باید در امور دنیایی و آخرتی جمع کند و از هیچ کدام غفلت نکند که سیره اهل بیت همین است ولو اینکه وقت نکند بسیاری حقایق را در دنیا بفهمد ولی در آخرت می فهمد، دنیا محل خودسازی است، آیا درست است؟ ۳. چرا بعضی از اساتید بزرگوار نظیر آقای شجاعی و آقای صمدی و .. سعی دارند افراد را با عالم مثال مرتبط کنند؟ خوب مگر اراده الهی این نیست که ما در عمر مقرر در حجاب ماده او را و اهل بیت را اطاعت کنیم؟ اگر انسان با کشف و شهود بهتر بندگی می کند پس چرا در او پیش بندگی نمی کنند؟ مثلا بندگی هم بکنند چه مزیتی دارد؟ اگر انسان راه خود را و مطالب علمی را بهتر می فهمد پس چه نیازی به این همه ریاضت های علمی است که علما کشیدند؟ مگر امام حسین علیه السلام نبودند و مگر حضرت ابراهیم نبودند و مگر علامه طباطبایی نبودند که به عالم مثال پشت کردند و امور را در حجاب ماده به پیش بردند؟ ۴. بنده چون حدود ده سال است به لطف الهی مطالعات خوبی روزی ام شده مطالب عقلی را با اینکه فلسفه نخواندم به خوبی می فهمم و الحمدلله جدیدا هر کتابی را آغاز به خواندن می کنم حقایق زیاد دیگری در ذهنم حاصل می شود. ولی دغدغه جدید گرفته ام که آیا من که نمی توانم حقایق را با کشف و شهود بینم ایراد و نقصی دارم که از آن غافلم و این دغدغه که نکند تمام دریافت های عقلی ره آورد شیطان باشد و من راه را غلط رفتم و خیالات است که جای عقل نشسته؟ البته هر چه دریافت کرده ام وقتی به قرآن و روایات و علوم علما عرضه می کنم حق بودن آنها را خودم استنباط می کنم. ۵. بعد از مدتی که به شدت دچار قبض و بسط های متعدد می شدم حدود چند وقتی است آرامش وصف ناپذیری وجودم را فرا گرفته و اصلا اثری از

علاقه به رذایل اخلاقی که قبلا با آنها دست و پنجه نرم می کردم نیست، احساس می کنم تازه عاقلانه رفتار می کنم آیا این تصورات من کاذب نیست؟ البته قابل بیان است به لطف خدا سه سال است در بندر عباس دور از خانواده زندگی می کنیم و روابط بسیار محدود تر از قبل شده، ولی خیلی می ترسم نکند منتقل شویم نزدیک اطرافیان و دوباره من در عالم پر از وهم آنها فرو روم و رذایل برگردد هر چند بعید می بینم مگر غفلت کنم. واقعا عذر خواهی می کنم که با سوالات سطح پایین خود شما اذیت می شوید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. فکر می‌کنم چه در قیامت و چه در برزخ، قلب و عقل هر دو در صحنه باشد. ۲. خوب است. ۳. هر اندازه انسان بهتر رعایت دستورات الهی را بکند، بدون ریاضت‌های افراطی؛ خداوند بهتر حقایق آسمانی و معنوی را در مقابل او می‌گشاید. خداوند در سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۴۰ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ» برای کفار درهای آسمان را نمی‌گشاید. یعنی خداوند انسان‌های مؤمن را هر اندازه مصلحت بداند، متوجه‌ی حقایق بالا می‌کند. ۴. عمده، رعایت دستورات شرع است. خداوند خودش آن‌چه را لازم است به قلب انسان‌ها الهام می‌کند. ۵. همین‌طور که می‌فرمایید خوب است، چرا بی‌دلیل فکر کنیم تصورات مان کاذب است؟ در حالی‌که شریعت الهی تکلیف هر عملی را روشن نموده است. موفق باشید